

**Patterns of Translation of *Shahab al-Akhbar* based on Four Ancient Versions
(5th to 7th Centuries AH)**

doi.org/10.22067/jall.v12.i1. 69117

Zahra Khosravi vamakani

Associate Professor, Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Central
Tehran Branch, Iran ¹

Received: 2 March 2018 Accepted: 16 January 2019

Abstract

This research is based on four copies of the ancient Persian translation of the book "Shahab al-Akhbar, the Prophet's (PBUH) short words," which includes 1000 hadiths; Has been done. These four copies have been published by Ermavi, Daneshpajoo, Shirvani, Joya, Jahanbakhsh, and et al. In this article, the linguistic and structural features of these four manuscripts belonging to the fifth to seventh centuries have been studied. Its purpose is to explain the grammatical features that govern them, including linguistic features and achieving ancient Arabic translation patterns to Persian.

The Arabic text of the book "Shahab al-Akhbar" has compiled ahadith based on the structure of Arabic sentences like the nominal sentence, verbal sentence, conditional with *Man al-Shartiah*, nominal with *Inna*, imperative verb, the verb of *Laisa*, detailed structure, the verb of *Besa* and also each is named as a chapter.

We have done this research based on extracting important lexical and grammatical features governing the studied translations. By explaining and comparing these four versions' translations, their linguistic features and translation style are expressed. In each case, as far as possible, according to the capacity of the article, examples are given. This research has been done to explain the patterns of translation from Arabic to Persian And linguistic and structural features of ancient Arabic to Persian translations based on the four versions of *Shahab al-Akhbar* that were the purpose of this study are described in detail. Based on this research, we see the dominance of Arabic grammar structure over ancient Persian translation.

Keywords: Ancient Arabic to Persian translations, Vocabulary review, Structural study, *Shahab Al-Akhbar*

¹. Corresponding author. Email: khosravivamakani@gmail.com

الگوهای ترجمه از زبان عربی به فارسی بر اساس چهار نسخه کهن "شهاب الأخبار" در سده های پنجم تا هفتم هجری (ارموی، دانش پژوه، شیروانی، ضیاء)

(پژوهشی)

زهرا خسروی ومکانی (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی، تهران، ایران نویسنده مسئول)^۱

doi.org/10.22067/jall.v12.i1.69117

صص: ۹۲-۱۱۱

چکیده

این پژوهش بر مبنای چهار نسخه‌ی ترجمه‌ی فارسی کهن از کتاب «شهاب الأخبار کلمات قصار پیامبر (ص)» که شامل ۱۰۰۰ حدیث می‌باشد؛ صورت گرفته‌است. این چهار نسخه توسط آقایان ارموی، دانش‌پژوه و شیروانی و جویا جهانبخش و همکاران به چاپ رسیده است. در این مقاله ویژگی‌های واژگانی و ساختاری این چهار نسخه‌ی متعلق به سده‌های پنجم تا هفتم مورد بررسی قرار گرفته و هدف از آن تبیین ویژگی‌های دستور زبانی حاکم بر آن‌ها اعم از ویژگی‌های واژگانی و دستیابی به الگوهای کهن ترجمه عربی به فارسی بوده است. متن عربی کتاب "شهاب الأخبار" احادیث را بر اساس ساختار جمله‌های عربی همچون اسمیه - فعلیه - شرطیه با مَنْ شرط - اسمیه همراه با اِنَّ - فعل امر - فعل لیس - ساختارهای تفضیلی - فعل بئس و... گردآوری کرده است و هرکدام تحت عنوان یک باب نامگذاری شده است. اما این کاوش، بر اساس استخراج ویژگی‌های مهم واژگانی و دستوری حاکم بر ترجمه‌های مورد بررسی انجام گرفته که با تبیین و مقایسه ترجمه‌های این چهار نسخه، ویژگی‌های واژگانی و سبک ترجمه آن‌ها بیان شده و در هر مورد در حد امکان با توجه به گنجایش مقاله نمونه‌هایی بیان شده است. این پژوهش با ضرورت تبیین الگوهای ترجمه از زبان عربی به زبان فارسی انجام گرفته و ویژگی‌های واژگانی و ساختاری ترجمه‌های کهن عربی به فارسی بر اساس چهار نسخه شهاب الاخبار که هدف این پژوهش بوده، به تفصیل بیان شده است. بر اساس این تحقیق، ما شاهد چیرگی ساختار دستور زبان عربی بر ترجمه کهن فارسی هستیم.

کلیدواژه‌ها: ترجمه‌های کهن عربی به فارسی - بررسی واژگانی - بررسی ساختاری - شهاب الأخبار

۱. مقدمه

از آغاز بعثت پیامبر اسلام (ص)، به هنگام مسلمان شدن برخی افراد غیر عرب و همچنین با گسترش گرویدن مردم دیگر ملت‌ها به ویژه ایرانیان به آیین اسلام، به تدریج علاوه بر نیاز به فراگیری زبان عربی از سوی مردم غیر عرب، ضرورت ترجمه متون مقدس اعم از قرآن کریم و احادیث نبوی به زبان نو مسلمانان روز به روز بیشتر شد، از آنجا که قرآن کریم و احادیث نبوی نزد همه مسلمانان از اهمیتی خاص برخوردار بود، در سده‌های پسین بعثت حضرت رسول (ص)، به تدریج مسلمانان به ترجمه قرآن کریم و احادیث نبوی دست یازیدند. این مترجمان به سبب قداست و جایگاه این متون دینی، تا حدی بسیاری با نگرانی و واژه‌ها از اینکه کلام الهی و احادیث نبوی در ترجمه ایشان دچار خلل و ایراد محتوایی گردد، در ترجمه این متون مقدس، خود را از ترجمه آزاد منطبق با ساختار زبان مقصد بازمی‌داشتند و تا حد امکان به بازگرداندن واژه به واژه این متون بسنده می‌کردند، همین نگرانی سبب می‌شد تا هر جا ترجمه واژگانی آنان را بیمناک می‌گرداند که مبادا ترجمه آنان دقیق و کامل نباشد، درون ترجمه به توضیح و تفسیر متن نیز پردازند و در چنین مواردی گونه‌ای ترجمه مزجی از خود بر جای می‌گذارند.

به یقین چنین شیوه‌ای در ترجمه‌های متون دینی که قداست آن‌ها مایه نگرانی مترجمان می‌شده است تا مبادا در ترجمه کلام الهی یا احادیث نبوی به خطا روند، بیشتر مورد توجه بوده است و آنان به خود اجازه نمی‌دادند که دست به ترجمه آزاد این متون بزنند زیرا عقیده بر این است که در این نوع ترجمه با حفظ اصل مقصود مؤلف، مطالبی بیان می‌شود که در واقع در اصل کتاب نیست، اما در اساس با آن مطابقت دارد و حول محور کلام مؤلف دور می‌زند (درخشان، ۱۳۶۹: ۱۲۰) و ضمن عبور از زبان مبدأ به سوی زبان مقصد مطالب اضافی غیر موجود در زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل می‌کند (امامی، ۱۳۷۶: ص ۹۱).

نارسایی‌های ترجمه واژه به واژه از جهت عدم انطباق ساختار دستوری زبان مبدأ و زبان مقصد در ترجمه‌های جمله‌های کوتاه اسمیه عربی که معمولاً از یک مبتدا و خبر (=نهاد و گزاره) تشکیل می‌شوند، چندان آشکار نمی‌گردد؛ زیرا به سبب اندک بودن اجزای کلام و رابطه اسنادی موجود، تقریباً ترجمه فارسی این گونه جمله‌ها ساختاری نزدیک به ساختار دستور زبان فارسی پیدا می‌کند که نهاد و گزاره به کمک رابطه اسنادی به هم مرتبط می‌گردند و در جمله‌هایی که دارای چند مبتدا و خبر باشند نیز با بهره‌گیری از برخی ابزارهای پیوند همچون حروف عطف.... این امر تحقق می‌یابد؛ اما در جمله‌های فعلیه یا در عباراتی که ارکان آن‌ها بیشتر و از نقش‌های مختلف قیدی، متممی و.... برخوردار می‌شوند، ناگاه شاهد بر هم خوردن ساختار ترجمه‌های فارسی و الگو برداری کامل از دستور زبان عربی هستیم که سبب آن همان معادل‌یابی واژگان اسمی، فعلی، حرفی و جایگزین سازی آن‌ها در ترجمه زبان مقصد است.

یکی از ویژگی‌های این نوع ترجمه آن است که تا حد ممکن ما را با واژگان کهن زبان فارسی آشنا می‌کند، زیرا مترجم تمام تلاش خود را در معادل‌یابی انجام داده است.

۱.۱. پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های پژوهش عبارتند از:

- ۱- ویژگی‌های واژگانی این ترجمه‌های کهن کدامند؟
- ۲- ویژگی‌های ساختاری این ترجمه‌های کهن کدامند؟

۲.۱. هدف پژوهش

دستیابی به ویژگی‌های واژگانی و ساختاری ترجمه‌های سده‌های پنجم تا هفتم هجری است.

۳.۱. شیوه پژوهش

این پژوهش براساس شیوه‌های مقایسه‌ای - تحلیلی انجام گرفته و بر این اساس ۴ نسخه مورد بحث که از سده‌های پنجم تا هفتم هجری بازمانده از جهت واژگانی و ساختاری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۴.۱. پیشینه پژوهش

براساس پژوهش‌های انجام شده، تاکنون هیچ پژوهشی در مورد مقایسه نسخه‌های بازمانده کتاب "شهاب الاخبار" و نخستین بار نگارنده به طور مبسوط و مقایسه‌ای - تحلیلی این چهار نسخه را از نظر واژگانی و ساختاری بررسی نموده است.

۲. درباره مولف

قاضی قضاعی (د. ۵۴/۱۰۶۲م) ابو عبدالله محمد بن سلامه بن جعفر بن علی بن حکمون بن ابراهیم بن محمد بن مسلم مغربی تاریخ‌نگار، مفسر، محدث، واعظ و فقیه شافعی سده پنجم هجری است که در مصر از دانشمندان بسیاری سماع داشته، در علوم متعددی سرآمد بوده و همانندی نداشته است. افراد بسیاری از او روایت کرده اند از جمله: ابو عبدالله حمیدی، سهل بن بشر اسفراینی، ابوسعید عبدالجلیل ساوی، ابو عبدالله رازی، خطیب بغدادی، ابن ماکولا و ابن ماکولا درباره وی گفته است که قاضی قضاعی در علوم گوناگون مهارت داشته و در سرزمین مصر همانند وی دیده نشده است (ابن خلکان، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۲؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۹۷؛ سبکی، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۰؛ سیوطی، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۳).

او در دوره حکمرانی فاطمیان در مصر به عنوان کاتب ابوالقاسم علی بن احمد، وزیر الظاهر لإعزاز دین الله عبیدی مشغول به کار بوده است به همین دلیل برخی او را شیعی دانسته اند. درباره شیعه بودن یا شافعی بودن وی اختلاف نظر وجود دارد که در دیباچه نسخه‌های او، د و ش به نقل از منابع مختلف درباره این موضوع سخن گفته شده، اما بیشتر منابع کهن او را فقیهی شافعی می‌دانند (سمعانی، ۱۹۸۰م، ج ۱۰، ص ۱۸۰؛ ابن خلکان بی تا، ج ۳، ص ۲۱۲؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۹۷؛ سبکی، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۱؛ سیوطی، ۱۹۶۷م، ج ۱، ص ۴۰۳).

قاضی قضاعی به سفارت قسطنطنیه فرستاده شده و مدتی کوتاه در آنجا بسر برده و سپس متولی کار قضاوت در مصر گشته و در همانجا نیز درگذشته است: برخی از دیگر آثار قاضی قضاعی چنین است: "تفسیر القرآن" در بیست جلد، "مناقب الامام الشافعی و اخباره"، "الإنباه عن الانبياء"، "تاریخ الخلفاء" که برخی از منابع دو کتاب اخیر را یک کتاب دانسته اند. "حطط مصر"، "تاریخ مختصر از آغاز خلقت تا روزگاز وی"، "دره الواعظین و ذخر العابدین"، "عیون المعارف و فنون اخبار الخلیف"، "نزهة الألباب" در تاریخ، "دقایق الاخبار و حدایق الاعتبار"، دستور معالم الحکم از سخنان امام علی بن ابی طالب، "المختار فی ذکر الخطط و الآثار فی مصر"، "الإنباه فی الحدیث" و "الامالی فی الحدیث" (ابن خلکان، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۲؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۹۷؛ سبکی، بی تا، ج ۴، ص ۱۵۰؛ سیوطی، ۱۹۹۸م، ج ۱، ص ۴۰۳؛ کحاله، ۱۹۵۷م، ۱۰، ص ۴۲-۴۳؛ زرکلی، ۱۹۹۲م، ج ۶، ص ۱۴۶؛ الموسوعة العالمیه، ۱۹۹۹م، ج ۱۸، ص ۲۱۴، دیباچه نسخه های ا، د و ش).

۳. بیان مسأله

در این پژوهش به بررسی چهار نسخه کهن از ترجمه‌ی احادیث نبوی فراهم آمده در کتاب: «شهاب الاخبار» می‌پردازیم که توسط قاضی ابوعبدالله محمد ابن سلامه معروف به قضاعی مغربی مصری (د. ۴۵۴ هـ) گردآوری شده است. قاضی قضاعی در این کتاب حدود هزار حدیث را بدون ذکر سلسله‌ی اسناد بر اساس ساختار جملات از پیامبر (ص) گردآوری کرده است. او در کتابی دیگر با نام «مسند الشهاب» سندهای خود را آورده است. این احادیث دارای شرح‌های متعدد عربی (حدود بیست شرح) و چهار ترجمه و شرح کهن فارسی است (نک: نسخه‌ی تصحیح شده توسط استاد دانش پژوه، دیباچه، صص: ب، ج، د). ترجمه‌ی فارسی این اثر توسط نوه‌ی قاضی قضاعی ابوالحسن علی ابن احمد که معروف به ابن قضاعی است با عنوان «ترك الإطناب في شرح الشهاب» انجام گرفته که متعلق به اواخر سده پنجم هجری و اوائل سده ششم است. از این اثر چهار نسخه پیدا شده است که نسخه‌ی فوق توسط محمد شیروانی (۱۳۴۳- در انتشارات دانشگاه تهران) چاپ شده، سه نسخه‌ی دیگر از این اثر وجود دارد که به سبب افتادگی آغاز نسخه‌ها، نام شارحان آن‌ها معلوم نیست، یک نسخه توسط ارموی (۱۳۴۲- مرکز انتشارات علمی و فرهنگی) به چاپ رسیده که انجام آن نیز افتادگی داشته، به همین سبب تعداد حدیث‌های آن به ۷۹۴ پایان یافته است. این نسخه ظاهراً منسوب به ابوالفتح رازی است که در سال ۶۹۰ هـ نگارش یافته است. و نسخه‌ی سوم نیز که مترجم و شارح آن نامعلوم است- به کوشش استاد دانش پژوه (۱۳۴۹- دانشگاه تهران) تصحیح و چاپ شده است. درباره مترجم و شارح این نسخه، همین اندازه می‌دانیم که گویا پیش از سال ۵۶۷ هـ که تاریخ تحریر نسخه ماست بایستی زنده بوده باشد. نسخه چهارم "ضیاء الشهاب و جلاء الكتاب" نام دارد که در سده هفتم نگارش یافته و تنها یک نسخه از آن وجود دارد. این نسخه به کوشش آقایان جهان بخش، عاطفی و بهنیا تصحیح و چاپ شده است (مرکز پژوهشی میراث مکتوب - ۱۳۹۴). تعداد احادیث این نسخه ۹۴۰ عدد است. تعداد احادیث نسخه‌های د، ش و ض تقریباً یکسان است و تفاوت اندکی در شمارگان حدیث وجود دارد که ناشی از تلفیق یا تفکیک برخی احادیث در برخی نسخه‌هاست.

دسته‌بندی حدیث‌های این کتاب به ترتیبی که توسط قاضی قضاعی جمع‌آوری شده نظم خاصی داشته و این نظم مبتنی بر ساختار ظاهری جمله‌های عربی است که به شکل زیر تنظیم شده است: باب یکم: جمله‌های اسمیه؛ باب دوم: جمله‌ی

اسمیه‌ای که با مَنْ آغاز می‌شوند؛ باب سوم: جمله‌های فعلیه ماضی و مضارع معلوم و مجهول؛ باب چهارم: فعل امر؛ باب پنجم: ماضی منفی؛ باب ششم: مضارع منفی و...؛ باب هفتم: جمله‌های اسمیه‌ای که با إِنَّ آغاز می‌شوند؛ باب هشتم: باب لیس؛ باب نهم: باب خیر و دیگر ساختارهای تفضیلی (أَفْضَلُ، أَحَبُّ، نِعَمَ، حَبَّذَا و خیار)؛ باب دهم: باب بَسَّ و شَرَّ؛ باب یازدهم: باب مَثَلٌ و مامثلٌ؛ باب دوازدهم: باب إِذَا؛ باب سیزدهم: باب كَفَى ب؛ باب چهاردهم: باب رُبُّ؛ باب پانزدهم: باب أَوْ؛ باب شانزدهم و در آخر پس از اتمام این باب‌ها، باب احادیث قدسی و باب دعای پایانی کتاب آورده شده است.

هدف این پژوهش بررسی و مقایسه نسخه‌های چاپ شده نبوده، بلکه در این پژوهش بررسی ویژگی‌ها و الگوهای ترجمه‌های کهن عربی به فارسی در متون دینی مورد توجه بوده است. ترجمه‌ی مربوط به هر نسخه نیز با حروف اختصاری ا. = ارموی، د. = دانش‌پژوه و ش. = شیروانی و ض = ضیاء الشهاب مشخص شده است. در مواردی که شاهد مثال از توضیحات هر نسخه ذکر شده، این مسأله با افزودن حرف ت. پس از نشانه اختصاری نسخه معلوم شده است.

در این تحقیق ما ابتدا برای دستیابی به الگوهای کهن ترجمه‌ی فارسی از زبان عربی این چهار نسخه را با یکدیگر مقایسه کرده و از دو جنبه‌ی:

الف: بررسی ویژگی‌های مفردات (واژگان) اسمی و فعلی

ب: بررسی ویژگی‌های ساختاری ترجمه‌های عربی به فارسی و دستیابی به الگوهای آن
این ترجمه‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده ایم.

الف: ویژگی‌های واژگانی حاکم بر این ترجمه‌ها

در بررسی واژگانی در باب‌های شانزده گانه احادیث کتاب «شهاب الأخبار» در هر چهار ترجمه، ویژگی‌های فراوانی یافت شد. در برخی از باب‌ها، این ویژگی‌ها از سی ویژگی نیز درمی‌گذرد که بسیاری از آن‌ها در همه بابها مشترک است، هر چند غلبه آن‌ها در نسخه‌های ا.، د. و ض چشمگیرتر است. اکنون با توجه به گنجایش مقاله به بیان نمونه‌هایی از این ویژگی‌های واژگانی می‌پردازیم، مانند:

۱. افزودن یک حرف به واژه فارسی

اوام = وام (د. ۶۸۶، ۲۶۹) اشکم = شکم (د. ت. ۸۴۸) اشتر (ا. ۶۷۲)

فریشته = فرشته (د. ۵۰۵) اسپید = سپید = سفید (د. ۳۵۴، ت. ۷۹۵)

۲. تبدیل حرفی به حرف دیگر (ابدال)

آفرده = آورده (د. ۳۶۸، ۴۱۱) دشخوار = دشوار (ا. ۷۶۳، ۴۴۷) آفرید = آورید (د. ۴۹۹)

فام = وام (ش. ۸۴۴) بوايد = ببايد (د. ۸۰۶) بديد = پديد (ا. ۵۱۳)
 پيراني = وبراني (د. ۴۸۴) سولاخ = سوراخ (د. ۸۸۸) طلخ = تلخ (د. ۴۷۰)
 يويد = يابيد (ا. ۴۴۵) نبشت = نوشت (ش. ۴۳۱)

که به صورت اصل کهن‌شان مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۳. کاربرد واژگان اسمی و فعلی کهن

پايندان = ضامن

پايندان غرامت کش بود (ا. ۴۱)

هر که پايندان ديگري شود (ض. ۳۳)

ياسه = اشتياق و آرزو (د. ۲۲۸۲)

هر که را بهشت ياسه بود (د. ۲۸۲)

أوام = وام = من يعفُ...

هر که اوام‌ها و جنایت‌ها به مردمان دهد (= ببخشد) (د. ۲۶۹)

ترسكار - پرهيزكار (فَلْيَتَّقِ اللَّهَ....)

هر که خواهد گرامی‌ترین مردمان باشد، از خدای ترسكار باشد. (ش. ۲۹۷)

اهريان - کالا - متاع بنگاه - متاع - کالا = سِلْعَةٌ. مَن حَمَلَ سِلْعَتَهُ

هر که اهریان خویشان با خویشان برد (د. ۳۱۸)

هر که بنگاه خود برگيرد..... (ش. ۳۰۷)

هر که برگيرد کالای خویش بری بود از بارنامه. (ض. ۲۹۴)

شبگير کردن = شبانه رفتن = أدلج

هر که او ترسد، شبگير کند ... (ا. ۳۲۳)

خوار = آرام = آهسته = رُويدا

هر که از شما روی طمع رود، خوارتر رود. (ش. ۳۳۳)

رُویدا: خوارک و ساکن (ض. ۳۱۰)

صاحب = ذو = ذوی العقول

مشورت کنید با خداواندان..... (ا. ۵۲۲)

د. مشورت برید با خداواندان.....

ش. رای زنید با خداواندان.....

با یاد دادن = به یاد آوردن با روی او نیارود = به روی او.....

. ... که این دوگانه نگاهداشتن با یاد شما دهند یاد قیامت. (ض.ت. ۵۰۹)

باز خوشیدن = خشکیدن = أن یجفَّ عرقه

پیش از آنکه عرقش باز خوشد. د. پیش از آنکه عرق وی بخوشد. (ا. ۵۴۸)

دیم - روی = ... فإیئهم قد أفضوا إلی ما قدموا

.... ایشان دیم فرا کردارهای خویش کرده‌اند. (د. ۶۵۸)

گران داشتن - ناپسند شمردن = یکره

خدای تعالی و گران دارد کارهای دون را. (ش. ۷۵۰)

درغوش، درغویش = درویش = الفقیر درغوشی = درویشی = الفقیر

. آن بود که در دنیا درغویش بود و با درغوشی دین ندارد. (د. ۷۸۱)

دوسیدن = درآویختن = دست در پسه شلوار زدن = امساک = إنی ممسک

چراغ پره - چراغ کشه = الفراش و الجنادب

من در دامن شما دوسیده‌ام و شما در آتش می‌شوید مانند چراغ پره. (ا. ۷۸۳)

من دست در پسه شلوار شما زده‌ام.... و در آتش می‌افتید همچنانکه چراغ کشه. (ض. ۷۵۵)

نیشیدن = نگاه کردن = النظر

.....نیشیدن من عبرت بود. (د.۷۵۳)

از راه رفتن، بی راه شدن = گمراهی = الضلالة راه یافتگی = هدایت = الهدی

بدترین همه کوریها بی راه شدن مردمست پس از آنکه راه یافته بود. (ش.۸۷۴)

ش. کورترین کوری از راه رفتن بود پس از راه یافتگی.

ض. کورترین همه کوریها، بی راهی و گمراهی بود از پس آنچه راه یافته بود.

۴- کاربرد پیشوندهای ها - در - وا - فرا - بر - با - ب - باز، ... + فعل.

۳۶. د. فرا دهد،.....(د.۳۶)

..... بدلش فرا نیاید. (د.۴۱۹)

.... پیدا بکرده است خدای ... (د.۴۳۱) از معصیت بازپاید. (د.ت.۴۰)

طلب خیرها کنید..... (ض.۴۸۳)

.... باپناهش رود = با پناه رفتن = پناه بردن. (ا.۲۳۹)

.... برنهد یعنی بازنویسید. ۵۰۴. ا. برپیمائید یعنی برسنجید. (د.۴۵۲)

نباید که مرد هدیه برادر مسلمان را بازگرداند، و لیکن اگر تواند (د. دارد) مکافاتش بازکند. (ا.د. ۶۶۰)

ایمان و معرفت بند برنهاد بر نمدر. (ض.۱۶۵)

۵. کاربرد «ش» در پایان فعل یا اسم به جای «او را»

....، به امنیتش کرده باشند. (د.۳)

۳۹۰. نیفزایدش از خدای إلا دوری.

هر که از شما چیزی خواهد ار بدهیدش. (ش.۳۳۰)

....کسی را برگمارد تا.....و حرمتش دارد. (ض.۵۶۳)

.... بعضی را گرفتنش بود و بعضی را دادنش. (ا.ت.۴۲۲)

.....کم حرمتی می کنند بر وی و رنجورش می دارند. (ض.ت.۵۱۶)

چون بخشمش آورند. (ا.۴۰۹)

..... تا پیش خویش یابیش. (ش.۵۴۹)

مومن را غم دین..... و باید که باشدش که به اکل و خورد نپردازد. (ض.ت.۹۸)

۶. کاربرد آوردن فعل منفی به صورت نه + فعل

کاربرد آوردن فعل منفی به صورت نه + + فعل

..... نه از ماست. (د.۲۸۵)

ش. و اگر نه باهل رسد، تو اهل نیکویی هستی.

و اگر نه به اهل رسد..... (ش.۵۳۱)

..... زیرا که اگر نه چنین کنی..... (ض.ب.۵۳۲)

۷. آوردن «ی» در پایان فعل به جای «می» در آغاز فعل و کاربرد «همی» به جای «می»

..... چنان فرزندان را علم آموختندی (ا.ت.۲۲۷)

بنا همی کنید (د.۴۲۴)

آنچ از او درگذشت از..... بدو نرسیدی. (ض.۶۱۰)

۸. کاربرد حرف «ب» در آغاز فعل منفی

..... بنخواهد ماندن. (د.۷۴)

آنچه دانی از وی، با خلقان بنگویی. (د.۱۱۹)

... هوای نفس شما را بنگرداند. (ا.۵۳۵)

هیچ مال بنکاهد بصدقه. (ا.۵۷۱)

آن کس که از آتش دوزخ ترسد بنخسبد. (د.۵۷۶)

هیچ کس را که حلیم و بردبار باشد، بذلیل نکرد و بنکند. (ا.۵۶۶)

بر نیت بنگرد و بنیاد است خدای هیچ بنده ای را..... (ض.۵۵۹)

بنپوشید هیچ بنده ای مؤمن.... (ض. ۶۲۰)

۹. آوردن «به» و «با» بر سر اسم به جای آوردن صفت

... و نداند که خدای از وی خشنود است یا بخشم = خشمگین. (ش. ۴۲۶)

در معاش دنیا به صلاح باشد = صالح. (د. ۵۱۹)

۱۰. کاربرد «ها» پیش از اسم یا فعل

طعام خویش ها ترسکاران را دهید. (د. ۵۱۶)

۱. ض. ت. نیت تقرب ها نکند.

۱۱. کاربرد واژگان عربی

حَته می کند (د. ۷۸۹)

..... مجاملت کنید در طلب. (ش. ۷۹۳)

..... رنج فسقه و ظلمه باید کشیدن. (ش. ت. ۷۷۵)

تصفیق زنان راست، تسیح مردان را. (ش. ت. ۷۷۶)

حَته می کند بر کردن مسجد..... (ض. ت. ۳۴۹)

بیشتر مواردی که ذکر شد در واقع ویژگی‌های سبکی این دوره‌ها هستند که در منابع سبک‌شناسی نیز بدان‌ها اشاره شده است (بهار، ج ۲، ۱۳۷۳: ۱۲۳-۱۲۴).

ب: بررسی ویژگی‌های ساختاری و الگوهای ترجمه از عربی به فارسی

در این قسمت بر اساس باب‌هایی که در مقدمه ذکر شد، به بررسی ویژگی ساختاری برخی از آنها و تبیین الگوهای ترجمه از عربی به فارسی می‌پردازیم:

دسته‌ی نخست احادیث شامل جمله‌های اسمیه است. در آغاز احادیثی بیان‌شده که از عبارتهای کوتاه دوکلمه‌ای (مبتدا + خبر) تشکیل شده. به تدریج این عبارتهای بلندتر شده و اجزای مبتدا و خبر گسترش می‌یابد و جمله‌های اسمیه تا یک سطر ادامه پیدا می‌کند، گاه نیز مبتدا و خبرهای متعدد در یک حدیث در پی هم می‌آیند. ساختار ترجمه‌ی فارسی احادیث در این بخش در نگاه نخست و در نخستین احادیث که از دو بخش کوتاه مبتدا + خبر تشکیل شده از سیاقی کاملاً فارسی برخوردار است و این تنها بدان سبب است که رابط میان دو اسم مبتدا و خبر در واقع همان تنوین است که دو بخش پایه و پیرو جمله

را با فعل ربط به یکدیگر پیوند می‌دهد و در زبان فارسی به "است" ترجمه می‌شود که در عمل این رابط در ترجمه‌ی فارسی در پایان ترجمه‌ی دو واژه‌ی مبتدا و خبر قرار می‌گیرد مانند:

۱۵. الشُّرُّ لِحَاجَةٍ. ا. شر سئیزه بردن است.

د. شر لجوجی است.

۱۶. العُسْرُ شَوْمٌ

ا. دشواری کردن شوم است.

د. سختی کردن شومی است.

ش. دشوار گرفتن ناخجستگی است.

۱۷. الحِزْمُ سَوْدُ الظَّنِّ

ا. بیدار بودن در کار ظن بد بردن است.

د. حزم کردن بدی ظن است.

ش. حزم بدگمانی بود.

ض. محکمی و استواری گمان بد بردن است.

۲۷. ا. حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ

ا. نیکو پرسیدن چیزی نیمه علمست.

ش. پرسیدن نیکو نیمه دانش است.

ض. نیک کردن سوال، نیمه دانش است.

به همین سبب، ساختار ترجمه‌ی فارسی از سبک و سیاق نگارش فارسی برخوردار است، اما در این دسته از احادیث همین که عبارات بلند می‌شود و تغییری در صورت احادیث پیش می‌آید، نشانه‌های آن نیز در ترجمه‌های پارسی پدیدار می‌گردد. ما تأثیر این ویژگی‌ها را در ترجمه‌های فارسی در حدیث‌هایی که خبر آن‌ها جمله‌ی فعلیه به روشنی است می‌بینیم. در ترجمه‌ی این احادیث، ترجمه خبر با فعل شروع می‌شود و پس از آن سایر اجزای جمله ترجمه می‌شود. در این دسته از احادیث همچنین در ترجمه جار و مجرور و کلمات تأکیدی که در پایان جمله آورده شده، به طور کامل شاهد جایگزین سازی معادل‌های فارسی در زیر واژگان عربی هستیم که در این بخش به ذکر نمونه‌هایی از این نوع ترجمه‌ها می‌پردازیم.

در بررسی این ساختار، نسخه‌ی شیروانی بیش از نسخه‌های دیگر از نمونه‌هایی با سبک نگارش فارسی برخوردار است.

۲۰. الْقِرْآنُ هُوَ الدَّوَاءُ.

۶۱. الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلُّهُ.

ا. قرآن است که شفای دردهاست.

ا. شرم نیک است همه.

د. قرآن دواست.

د. شرم داشتن خیر است.

ش. قرآن است که داروست.

ش. شرم همه‌ی نیکی است.

ض. قرآن خواندن و به کار داشتن، داروی

ض. کرم داشتن نیک بود همه.

دل عارفان و راحت سینه مؤمنان است.

در حدیث شماره ۲۰ ضمیر فصل که کاربرد آن برای تمییز دقیق مبتدا از خبر است، در ترجمه به شکل تأکید بر مبتدا ترجمه شده است.

۱.۲۹. الرِّضَاعُ يَغَيِّرُ الطَّبَاعَ

ا. شیردادن طبع‌ها را بگرداند.

د. شیرخوردن بگرداند طبعها.

ش. شیردادن بگرداند طبع را.

ض. شیر خوردن کودک از شیردهنده‌ی وی، بگرداند خوی و آفرینش دل و عزم و رقت و مراحمت و شفقت دل.

۱۳۸. الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ.

ا. مسلمان آن بود که مسلمانان از وی با سلامت باشند از بدی زبانش و دستش.

د. مسلمان آن بود که مسلمانان با سلامت باشند از زبان و دست وی.

ش. مسلمان آن است که مسلمانان از دست و زبان وی بسلامت باشند.

ض. مومن آن بود که مومنان از شر و بدی زبان و دست وی ایمن باشند.

در باب دوم، احادیثی که با مَنْ شرط شروع شده‌اند نیز ترجمه‌ها معمولاً به صورت معادل‌یابی به شیوه‌ی جایگزینی معادل‌های فارسی کلمه به ترتیب ساختار جمله‌ی عربی است که سبب شده ساختار جمله‌های فارسی نیز به گونه‌ی جمله‌های عربی باشد و در آن شاهد تقدیم فعل بر سایر ارکان جمله باشیم همراه با تأخیر متمم و مفعول و جار و مجرور آوردن آن‌ها در پایان

جمله. گاه به سبب کوتاهی جمله‌های عربی، ترجمه‌های فارسی با وجود رعایت الگوی جایگزینی معادل‌ها، به سبب کوتاهی جمله، در عین حال از ساختاری فارسی برخوردار است. در نتیجه شاهد تقدیم و تأخیرهای ارکان جمله نیستیم. به عنوان نمونه در این ترجمه:

۲۶۴. مَنْ صَمَّتْ نَجِي.

ا. هر که خاموش شد، برست.

د. هر که خاموش بود از آنکه ببايد گفتن، برست.

ش. هر که خاموش بود، رست.

ض. هر که خاموش شد، برست.

اما در همین دسته از احادیث که از جمله‌هایی کوتاه تشکیل شده‌اند، شاهد بر هم خوردن ساختار جمله‌های فارسی هستیم و وجود یک متمم نمایانگر الگوی ترجمه‌ی مترجمان کهن است.

۲۶۶. مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ.

ا. هر که تکبر کند فرونهدش خدا.

د. هر که تواضع نکند و تکبر کند خدا ویرا ذلیل کند و خوار و حقیر گرداند.

ش. هر که گردن افرازی کند، خدای تعالی فرونهد او را.

ض. هر که تن خود بیفکند به خدمت خدای تعالی، خدای او را بیفرازد.

۲۶۵. مَنْ تَوَاضَعَ اللَّهُ رَفَعَهُ اللَّهُ.

ا. هر که فروتنی کند خاصه از بهر خدا، حق سبحانه و تعالی او را بلند گرداند.

د. هر که تواضع کند از بهر خدای تعالی ویرا بزرگ کند.

ش. هر که فروتنی کند از بهر خدای تعالی ایزد عزّ اسمه بلندی دهد او را.

همچنین در این نوع حدیث‌های کوتاه، گاه پاره‌ای از جمله (یا شرط یا جواب آن) از ترجمه‌هایی فارسی‌گونه [= مطابق با ساختار جملات فارسی] برخوردار می‌شود. اما این حالت هم اندک است و هم نزد مترجمان یکسان نیست.

در تمام حدیث‌های این بخش که با من + فعل شرط + سایر ارکان جمله (فاعل + جار و مجرور یا متمم + مفعول...) شروع می‌شود ترجمه‌های فارسی نیز به همان‌گونه با هر که + فعل + سایر ارکان انجام‌شده است. اکنون به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم که گویای ویژگی‌های ساختاری این باب است. ویژگی‌های غالب همه‌ی این نمونه‌ها، الگوبرداری مترجمان از ساختار جمله‌های عربی است که به تقدیم فعل بر فاعل، مفعول و یا تقدیم مفعول بر سایر ارکان جمله‌ها می‌انجامد. در این جمله‌ها معمولاً متمم‌ها و یا فاعل رکن پایانی جمله قرار گرفته‌اند. در این بخش در برخی ترجمه‌ها، شاهد ترجمه‌هایی با ساختار فارسی نیز هستیم که این مسئله به‌صورت متفاوت در ترجمه‌ی برخی از نسخه‌ها دیده می‌شود. اما این‌گونه ترجمه‌ها در بررسی همه احادیث، در نسخه‌ی ش بیشتر به چشم می‌خورد.

۲۸۲. وَمَنْ يُرِدِ اللّٰهَ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ.

ا. هر که خدای تعالی به وی خیر خواهد، در دینش فقیه گرداند.

د. هر که خدای تعالی به وی خیر خواهد، وی را در دین فقیه کند.

ش. هر که خدای تعالی به وی نیکی خواهد، او را دانا گرداند در دین.

ض. هر که خواهد خدای تعالی بدو خیری، دانا کند او را به دین.

اکنون با شماره‌گذاری ارکان جمله به مقایسه‌ی ساختار ترجمه‌ی فارسی و معادل‌های عربی آن می‌پردازیم:

۳۷۵. مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا يَعْمَلِ الْآخِرَةَ فَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸

ا. هر که دنیا جوید، بکردارهای آخرتی ویرا در آخرت از آن کردارها هیچ منفعتی نبود.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸

د. هر که به عمل آخرت طلب دنیا کند وی را در آخرت نصیبی نبود.

۱ ۲-۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸

ش. هر که دنیا طلبد بکردار آخرت او را در آخرت هیچ بهره نباشد.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸

ض. هر که طلب دنیا کند به کار آخرت... فردا در قیامت او را هیچ ثوابی و جزایی نبود بر آن.

۱ ۲-۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸

در ترجمه‌ی ا.د. وش تنها در پاره‌ی دوم (جواب شرط) شماره‌ی ۵ در جای اصلی خود قرار نگرفته و در پایان جمله ذکر شده است و در ترجمه‌ی دوم شماره‌ی ۴ (جار و مجرور و مضاف و مضاف الیه) نیز بر ارکان ۳-۲ مقدم شده و در ترجمه ض. نیز با وجود بر هم خوردن نظم شمارگان در جزء دوم بازهم ساختار دستور زبان عربی بر ترجمه چیره است.

احادیثی که با فعل امر شروع می‌شوند:

هنگامی که این احادیث فقط از دو فعل تشکیل شوند، مانند دیگر ساختارها، به جهت کوتاهی و اندکی ارکان جمله، در ترجمه‌ی فارسی ساختاری تقریباً مطابق با ساختار دستور زبان فارسی می‌یابند، چه این جمله‌ها در نهایت از فعل و فاعل (= شناسه‌ی فاعلی) تشکیل شده‌اند. هر چند که گاه در این ترجمه‌ها نیز عدم رعایت ساختار دستور زبان فارسی مشاهده می‌شود.

۴۴۴. اِشْفَعُوا تُوجَرُوا.

ا. شفاعت کنید از برای مردمان تا ثواب یابید.

د. شفاعت کنید از بهر مردمان تا ثواب یابید.

ش. شفاعت کنید که مزد دهند شما را. [عدم رعایت ساختار دستور زبان فارسی به هنگام افزودن مفعول به جمله].

ض. شفاعت کنید مر محتاجان را از خدای تعالی، تا ثواب بیابید.

۴۴۶. صُومُوا تَصِحُّوا

روزه دارید تا تندرست باشید ا.

ش. روزه دارید تا تن درستی یابید

ض. روزه دارید تا درستی یابید.

اما همین که این جمله‌ها نیازمند مفعول می‌شود در ترجمه‌ی فارسی شاهد ساختار عربی فعل + فاعل + مفعول هستیم که نشان از چیرگی ساختار نحو عربی بر ترجمه‌های کهن فارسی دارد. برخی دیگر از این احادیث از جمله‌هایی طولانی‌تر برخوردارند که تمام ارکان جملات عربی را می‌توان در این دسته ملاحظه کرد [فعل - فاعل - جار و مجرور - مفعول‌ها - قیدها و متمم‌ها]، طبیعی است که در این بخش بیشتر با مساله‌ی عدم رعایت ساختاری دستور زبان فارسی و چیرگی ویژگی‌های دستور زبان عربی بر ترجمه‌های فارسی روبرو هستیم. می‌توان در ترجمه‌ی حدیث‌های باب چهارم که با فعل امر شروع شده‌اند، به حاکمیت این ساختارها اشاره کرد:

فعل + مفعول + فاعل + سایر ارکان

فعل + فاعل + مفعول + سایر ارکان

فاعل + فعل + مفعول و سایر ارکان (متمم‌های جمله).

و در عبارتهای طولانی تر:

فعل + فاعل + مفعول + متممها + فعل + مفعولها (له - فیه...).

در این بخش نمونه‌هایی از هر یک از این ساختارها بیان می‌شود.

نکته‌ی مهم دیگر آن‌که ترجمه‌های نسخه‌های ا، د و ض نسبت به نسخه‌ی شیروانی بیشتر از ساختار عربی برخوردار است و ویژگی نحو عربی بیشتر بر آن‌ها چیرگی دارد. علاوه بر این‌که این نسخه‌ها بیشتر از ترجمه‌ی مزجی توأم با توضیح برخوردارند، درحالی‌که در نسخه‌ی ش. رعایت دستور زبان فارسی در ترجمه بیشتر به چشم می‌خورد، به‌ویژه در مورد آوردن فعل در پایان جمله؛ و ترجمه‌ها نیز با توضیح و تفسیر کلام درنیامیخته است، درحالی‌که در ترجمه‌های سه نسخه‌ی دیگر به‌ندرت فعلی در پایان جمله می‌آید و به‌طورمعمول فعل در آغاز جمله و یا در وسط جمله قرار دارد.

اکنون به بیان نمونه‌های مربوط به این توضیحات می‌پردازیم.

۴۶۳. دَعَّ مَا يُرِيْبُكَ إِلَيَّ مَا لَا يُرِيْبُكَ.

ا. دست بدار از آنچه شک بود ترا در آن و آن کن که ترا شک نبود در آن.

د. بگذار آنچه ترا به شک افکند و بکن آنچه ترا در آن هیچ شکی نبود.

ش. بگذار آنچه ترا در تهمت افکند از برای آن چیزی که ترا در تهمت نیفکند.

ض. بگذار آنچه ترا به شک می‌افکند و آن کن که ترا به شک نمی‌افکند.

۴۷۶. وَ أَقْبِلُوا الْكِرَامَ عَثْرَاتِهِمْ.

ا. و درگذارید خطاهای کریمان.

د. درگذارید خطای کریمان.

ش. اقلت کنید کریمان را خطاهای ایشان.

ض. اقلت کنید کریمان را و خطا و گناه ایشان را.

اکنون به بیان نمونه‌هایی از احادیثی می‌پردازیم که با *إِنَّ* شروع شده‌اند و آن‌ها را موردبررسی قرار می‌دهیم:

۶۹۷. إِنَّ الْحِكْمَةَ تَزِيدُ الشَّرِيفَ شَرَفًا.

ا. فقه دانستن بزیادت کند بزرگی بزرگان را.

د. علم فقه دانستن زیادت کند، شریفان را شرف.

ش. حکمت شریف را شرف دیگر بیفزاید. [ساختار جمله فارسی است].

ض. دانستن علم شریعت بزیادت کند بزرگی بزرگان را.

در این نمونه خبر جمله‌ی فعلیه است و در بیشتر ترجمه‌ها، فعل مانند ساختار جمله‌ی عربی در آغاز جمله قرار گرفته است.

۷۵۲. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْبَصَرَ الْنَافِذَ عِنْدَ مَجِيءِ الشَّهَوَاتِ...

ا. خدا دوست دارد آن دیده را که نظر کند و آن که حلال باشد ببیند [ترجمه با تفسیر درآمیخته و دقیق نیست].

د. خدای تعالی دوست دارد چشمی بیننده به وقت آن که شهوت‌ها پدید آید.

ش. خدای تعالی دوست دارد دیده‌ی نیک‌بین را بگاہ آمدن شهوت‌ها...

ض. خدای تعالی ثواب دهد و مدح کند آن مومنی را که دلش بود دریا بنده و در رسنده به حق، وقت پدید آمدن آرزو و شهوت.

ساختار ترجمه فاعل (= اسم إن) + فعل + مفعول + صفت + ظرف یا قید زمان.

۷۶۱. إِنَّ اللَّهَ لَيَدْرَأُ بِالصَّدَقَةِ سَبْعِينَ مِائَةً مِنَ الشُّوْءِ.

ا. خدا باز دارد به صدقه که مومن بدهد هفتاد گونه مرگ بد.

د. خدای تعالی باز دارد به صدقت مومن هفتاد گونه مرگ به نکال.

ش. خدای تعالی باز دارد بصدقه هفتاد گونه مرگ بد را.

ض. بدرستی که خدای تعالی باز داد به صدقت کردن از بهر خدای تعالی هفتاد گونه مرگ بد.

۷۶۳. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى نِيَّةِ الْآخِرَةِ وَلَا يُعْطِي الْآخِرَةَ عَلَى نِيَّةِ الدُّنْيَا.

ا. بدرستی که خدای تعالی بدهد دنیا بر نیت آخرت و ندهد آخرت بر نیت دنیا.

د. خدای تعالی بنده را دنیا دهد بر تبع آخرت و لکن آخرت ندهد بر تبع دنیا.

ش. خدای تعالی دنیا بدهد بر نیت آخرت و نخواهد که آخرت بدهد بر نیت دنیا.

ض. بدرستی که خدای تعالی بدهد مال دنیا به طفیل آخرت و نعمت آخرت ندهد بر طفیل دنیا.

ساختار ترجمه:

فاعل (= اسم إن) + فعل + متمم + مفعول.

یک نمونه از این ترجمه‌ها با شماره گذاری تبیین می‌شود:

۷۹۲. خَيْرٌ بِيُوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶

د. بهترین خانه شما آن خانه‌ی بی بود که در آن خانه یتیمی در بود که وی را گرامی دارند از بهر خدای را.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶

ش. بهترین خانه‌های شما خانه‌ای است که دروی یتیمی باشد که او را گرامی دارند.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶

ض. بهترین خانه‌های شما که مومنانید، خانه‌ای بود که در آن، طفلی بی پدر بود گرامی.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶

ترجمه‌های فارسی حدیث‌هایی که با رُبَّ آغاز شده، از جهت ساختار کاملاً منطبق بر ساختار جمله‌های عربی است:

۸۸۲.... وَرُبَّ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْعَطَشُ وَالْجُوعُ.

د.... و بسا کسا که به روز هیچ نخورد و پندارد که روزه می‌دارد و از آن روزه بهره نَبُودَ الَّا گرسنگی.

ض. بسا کسا که روزه فریضت و تطوع دارد، الَّا آن که از آن روزه نصیب الَّا گرسنگی و تشنگی نبود.

ترجمه‌ی ساختار نفی در حصر کاملاً مطابق با جمله‌ی عربی است، علاوه بر آن که ادات «إلَّا» نیز ترجمه نشده است.

۸۸۲. رُبَّ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهَرُ.

د. بسا کسا که به شب برخیزد و پندارد که نماز می‌کند، و از آن برخاستن وی را بی‌خوابی نصیب بُودَ.

ض. بسا شبخیز که او را از آن شبخیزی بهره ای نبود الَّا بیداری شب.

نمونه‌ی دیگر از ترجمه‌ی فارسی منطبق با ساختار جمله‌های عربی:

۸۸۳. وَرُبَّ طَاعِمٍ شَاكِرٍ أَغْظَمَ أَجْرًا مِنْ صَائِمٍ صَابِرٍ.

د. بسا بنده‌ی بی که طعام بخورد و شکر خدا بکند و ثواب او بیشتر بود که بنده‌ی روزه‌دار و صبرکننده.

ض. بسا کسا که طعام خورد، شکر کند بر آن خوردن و دادن، که وی را ثواب بیش بود که روزه دار صابر را.

در همه باب‌های کتاب شاهد چیرگی ساختار دستور زبان عربی بر ترجمه‌های کهن فارسی هستیم - جز مواردی اندک

که ذکر آن رفت، اگرچه به سبب عدم گنجایش مقاله امکان آوردن شواهدی متنوع از سایر باب‌ها وجود ندارد، امید آنکه این

نوشتار کوتاه پیرامون این ترجمه‌های انبوه مصداق خیر الکلام ما قلّ و دلّ باشد.

نتیجه

در این پژوهش دوجنبه‌ی واژگان و ساختار این ترجمه‌ها موردپژوهش و کاوش قرار گرفته است. در تحلیل واژگانی این

ترجمه‌ها ویژگی‌های گونه‌گون فعلی - اسمی و اداتی حاکم بر ترجمه‌ها مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به گنجایش مقاله

پاره‌ای از مهم‌ترین آن‌ها با شواهد متعدد برگرفته از هر چهار ترجمه بیان شده است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱- کاربرد واژگان اسمی و فعلی کهن

- ۲- کاربرد پیشوندهای ها-در-وا-فرا ... + فعل
- ۳- کاربرد فعل منفی به صورت نه + ... + فعل
- ۴- کاربرد حرف "ش" مفعولی در پایان فعل یا اسم
- ۵- آوردن "به" و "با" بر سر اسم به جای آوردن صفت
- ۶- کاربرد حرف "ب" در آغاز فعل منفی
- ۷- کاربرد "ها" پیش از اسم یا فعل

و ...

در تحلیل ساختاری نیز، ساختار حاکم بر باب‌های گوناگون کتاب مورد پژوهش قرار گرفته و ویژگی‌های آن‌ها با بیان شواهد برگرفته از هر یک از چهار نسخه ذکر شده است. ساختار اصلی حاکم بر این ترجمه‌ها الگوبرداری مترجمان کهن از ساختار دستور زبان عربی و الگوهای حاکم بر نحو عربی بوده است که بر اساس جایگاه واژگان در جمله‌های عربی، معادل‌های آن‌ها به زبان فارسی نوشته شده و در نتیجه در بیشتر موارد شاهد الگوهای دستور زبانی فعل + فاعل + مفعول + سایر ارکان جمله هستیم. این ساختار به گونه‌ای است که اگر ارکان جمله عربی را با شماره‌گذاری مشخص کنیم، به ندرت در ترجمه‌های فارسی شماره‌گذاری این ارکان تغییر می‌کند. ذکر نمونه‌های فراوان در باب‌های مختلف بیانگر حاکمیت این الگو بر ترجمه‌های کهن پارسی است. چه بسا علاوه بر ویژگی‌های سبکی حاکم بر این دوره یکی از دلایل این امر قداست متون دینی بوده که به این دلیل مترجمان اجازه‌ی تغییر و جابجایی کلمات را به خویشتن نمی‌داده‌اند.

کتابنامه

۱. ابن خلکان، ابوالعباس. (بی تا). *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*. به کوشش احسان عباس. بیروت: دارصادر.
۲. ابن قضاعی، ابوالحسن علی بن احمد (۱۳۷۷). *ترک الاطناب فی شرح الشهاب*. ترجمه فارسی شهاب الاخبار. تالیف نیای او ابوعبدالله محمد سلاعه معروف به قاضی قضاعی مغربی مصری. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
۳. امامی، کریم (۱۳۷۶). *فصل نامه مترجم*. مقاله (ترجمه آزاد و ترجمه دقیق).
۴. بهار، محمد تقی (۱۳۷۳). *سبک شناسی*. تهران: امیرکبیر.
۵. درخشان، مهدی (۱۳۶۹). *درباره زبان فارسی*. تهران: دانشگاه تهران.
۶. زرکلی، خیرالدین (۱۹۹۲). *الاعلام*. چاپ دهم. بیروت: دارالعلم للملایین.
۷. سبکی، تاج الدین (بی تا). *طبقات الشافعیه الکبری*. به کوشش عبدالفتاح محمد الحلو. محمود محمد طنّاحی. قاهره: داراحیاء الکتب العربی.
۸. سمعانی، ابوسعید (۱۹۸۰). *الأنساب*. به کوشش عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره: مکتبه این تیمیه.
۹. سیوطی، جلال الدین (۱۹۶۷). *حسن المحاضره فی تاریخ مصر و قاهره*. به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: داراحیاء الکتب العربی.
۱۰. صفدی، صلاح الدین (۲۰۰۰). *الوافی بالوفیات*. به کوشش احمد آرناؤوط. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۱. كحاله، عمر رضا. (۱۹۵۷). **معجم المؤلفين**. بيروت: مكتبة المثنى و دار احياء التراث العربى.
۱۲. موسوعه العالميه (۱۹۹۹). رياض: موسسه اعمال الموسوعه للنشر و التوزيع .
۱۳. نامعلوم، (۱۳۴۹). ترجمه و شرح فارسی شهاب الاخبار. تالیف قاضی قضاعی. تصحیح محمد تقی دانش پژوه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. نامعلوم (۱۳۶۱). **شرح فارسی شهاب الاخبار**. تالیف قاضی قضاعی، با مقدمه و تصحیح و تعلیق سید جلال الدین حسینی ارموی. چاپ دوم. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. نامعلوم، (۱۳۹۴). **ضیاء الشهاب (شرح فارسی شهاب الاخبار قاضی قضاعی)**. تصحیح جويا جهانبخش. حسن عاطفی و عباس بهمنیا. تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب.